

تفسیر قرآن کریم

محمد واعظ زاده خراسانی

ان الله لا يستحي ان يضرب مثلاما
بعوضة فما فوقها، فاما الذين آمنوا
فيعلمون انه الحق من ربهم واما
الذين كفروا فيقولون ماذا اراد الله
بهذا مثلاً يضل به كثيراً ويهدى
به كثيراً وما يضل به الا الفاسقين
سوره بقره آیه ۲۵

در دو شماره گذشته از قسمت اول و دوم این آیه بحث کردید و اینک قسمت آخر آن یعنی جمله **يضل به كثيراً ويهدى به كثيراً** و **يضل به الا الفاسقين** مورد گفتگو است. اگر بخواهیم بحث ما در این مورد جامع و مفید باشد لازمست دامنه سخن را بکلیه آیات مشابه این آیه که متعرض هدایت و اضلال میباشد توسعه دهیم، و بطور کلی منطق قرآن را در این باره مطالعه کنیم. بیاری خدا تا حدودیکه صفحات مجله بما اجازه میدهد این منظور را تعقیب میکنیم.

نکته قابل توجه

خوبست قبلاً باین نکته توجه شود که در قرآن نسبت بیاره از موضوعات اهمیت بیشتری داده شده و بطور مکرر پروردگار در سراسر این کتاب از آنها نام برده است. این قبیل موضوعات پایه‌های اساسی دعوت قرآن را تشکیل میدهد، و حتماً

تکرار آنها در این آخرین صحیفهٔ آسمانی که بر اساس حد اعلای بلاغت پی ریزی شده حاکی از این است که حقایق بسیار مهم و مطالب اصولی را در بر دارد که مانند سایر مسائل اصولی از قبیل مسئله توحید و نبوت باید مورد نظر و توجه قرار گیرد. متأسفانه بنظر میرسد که قسمتی از این قبیل آیات در اذهان از هدف خود منحرف گشته و نه تنها بحقیقتی که در آنها نهفته است؛ بطور شایسته توجه نشده بلکه خود آن آیات بصورت مشکل لاینحلی در آمده که بیشتر کوشش مفسرین مصروف حل آن مشکل گردیده و زمینهٔ مناسبی برای بحثها و گفتگوهای علماء کلام فراهم ساخته است

موضوع محل بحث، یعنی مسئله هدایت و اضلال یکی از همان موضوعات، و شاید

از پر سر و صداترین و دامنه دارترین آنها است و با مسئله قدیمی و ریشه دار (جبر و تفویض) بستگی دارد. معمولاً آیات مربوط باین مسئله از تشابهات قرآن شمرده میشود با اینکه تکرار و کثرت آنها، چنانکه بعداً ملاحظه خواهید نمود، مؤید آنست که خود از محکمت آیات است و همانطور که گفتیم بنظر میرسد که حقیقتی را بیان میکند که از مسائل مهم و اساسی دین و اصول مسلمة معارف قرآن است. لهذا باید بگوئیم: شبهات علماء کلام و بحثهای طولانی آنهاست که این سلسله آیات را در صفت آیات متشابه جای داده و الا اگر با ذهن خالی و فارغ از آن گفتگوها با تأمل و تدبیریکه شایستهٔ این کتاب آسمانی می باشد سراغ این آیات برویم حتماً بآن حقیقت ارزنده بر میخوریم، و مسیر بحث ما از جنبه های منفی، تأویل و توجیه و حل اشکال، بجادهٔ طبیعی و شاه راهیکه بیکدی از معارف عالیة اسلام منتهی میشود بر خواهد گشت.

با توجه باین نکته ما از کلیهٔ گفتگوها و رد و بدلتهائی که میان فرقه های مختلف علماء کلام در این مسئله و این آیات وقوع یافته با اینکه شمه قابل ملاحظه ای از آن گفتگوها برای نوشتن آماده شده بود صرف نظر نموده، خوانندگان را مستقیماً بتأمل

در این آیات دعوت میکنیم

دسته بندی آیات

شمارهٔ آیاتی که صریحاً یا تلویحاً باین مسئله ارتباط دارد از پنجاه متجاوز و پچند

دسته تقسیم میشوند :

۱ - درشش آیه تصریح شده است باینکه خدا هر کس را بخواهد هدایت و هر کس را بخواهد گمراه مینماید از این قبیل ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه لیبین لهم فیصل الله من یشاء ویهدی من یشاء وهو العزیز الحکیم ابراهیم - ۴ ما پیغمبری نفرستادیم مگر بزبان امت خویش تا (حقایق دین را) برای آنان بیان کند پس از آن هر کس را خدا بخواهد گمراه و هر کس را بخواهد هدایت مینماید و او است توانا و دانا . (۱)

۲ - در ۱۶ آیه تأکید گردیده باینکه هر کس را خدا گمراه کند کسی قدرت ندارد او را هدایت نماید و درباره از این آیات آمده است که هر کس را خدا هدایت کرد فقط همان کس هدایت یافته است : «ومن یضلل الله فما له من ولی من بعده شوری - ۴۴ و من یضلل الله فما له من سبیل شوری - ۴۶ . و من یضلل الله فما له من هاد مؤمن - ۳۳ ، و پنج مورد دیگر (۲) من یضل الله فلا هادی له و یدرهم فی طفیانهم یعمهون اعراف - ۱۸۵ . و من یهدی الله فهو المهتد و من یضلل فلن تجد لهم اولیاء من دونه اسری - ۹۷ (۳) .

۳ - در دو مورد فرموده است : خداوند یاقرا آن دسته ظالمین را گمراه مینماید : یثبت الله الذین آمنوا بالقول الثابت فی الحیوة الدنیاء و فی الآخرة و یضل الله الظالمین و یفعل الله ما یشاء ابراهیم - ۲۷ و لا تزد الظالمین الا خسارا نوح ۲۴

(۱) و نیز فرموده است «و یقول الذین کفروا لولا انزل علیه آیه من ربه قل ان الله یضل من یشاء و یهدی الیه من اناب» رعد ۱۹ «و لو شاء لجعلکم امه واحده و لکن یضل من یشاء و یهدی من یشاء و لتسئلن عما کنتم تعملون» نعل ۹۳ «أفمن زین له سوء عمله فرآه حسنا فان الله یضل من یشاء و یهدی من یشاء فلا تذهب نفسك علیهم حسرات ان الله علیم بما یصنعون» فاطر ۸ «والذین کذبوا بآیاتنا صم بکم فی الظلمات من یشاء الله یضللهم و من یشاء یجعلهم علی صراط مستقیم» انعام ۳۶ «کذلک یضل الله من یشاء و یهدی من یشاء و ما یعلم جنود ربک الا هو» مدثر - ۳۱

(۲) رعد - ۳۵ ، زمر - ۳۶ و ۲۳ ، شوری - ۴۴ و ۴۶ .

(۳) و همچنین کهف - ۱۷ ، اعراف - ۱۲۷ ، نساء - ۸۷ ، روم - ۲۹ ، جاثیه

- ۲۲ ، نعل ۳۶ ؛ یونس - ۴۳ و ۴۴ .

در يك مورد گفته است خدا کافرین را گمراه میکند کذلک یضل الله الکافرین مؤمن- ۷۳ و درده آیه آمده که خداوند ظالمین را هدایت نمیکنند (۱) و در چهار آیه خداوند کافرین را هدایت نمیکنند (۲) و در پنج آیه خدا فاسقین را هدایت نمیکنند (۳) و در سوره بقره آیه ۲۵ (آیه محل بحث) فرموده است وما یضل به الا الفاسقین

۴ - در هفت آیه تصریح نموده باینکه خداوند بر دل‌های کفار یا متجاوزین یا متکبران ستمگر ، یا بر دل و گوش و چشم آنان مهر زده ، یا جلو چشمشان پرده افکنده است از این قبیل وقولهم قلوبنا غفل بل طبع الله عیونهم فلا یؤمنون الا قليلا نساء - ۱۵۴ ؛ اولئك الذين طبع الله على قلوبهم وسمعهم و ابصارهم و اولئك هم الفالغون نحل - ۱۰۸ (۴) .

۵ - شاید بیش از بیست آیه بماند که هدایت خدا یا قرآن مخصوص متقین یا مؤمنین یا نظائر آنان میباشد مانند این آیه ألم ذلك الكتاب لا ريب فيه هدى للمتقين بقره - ۱
 ۶ - در چهار آیه فرموده است : ضلالت و گمراهی برای جمعیتی مقرر گردیده و آنان ایمان نمی‌آورند :

ان الذين حقت عليهم كلمة ربك لا يؤمنون ولو جاتهم كل آية حتى يروا العذاب الاليم يونس - ۹۵ ؛ لقد حق القول على اكثرهم فهم لا يؤمنون يس - ۶ ، فریقا هدی و فریقا حق علیهم الضلالة اعراف - ۲۹ ؛ فمنهم من هدی الله و منهم من حقت علیهم الضلالة ان تحرص علی هدیهم فان الله لا یهدی من یضل و منهم من لاصرین نحل - ۳۵

۷ - در سوره توبه - ۱۱۶ فرموده است : و ما كان الله لیضل قوما بعد

(۱) از این قرار: بقره - ۲۵۸ ، آل عمران - ۸۶ ، مائده - ۵۴ ؛ انعام - ۱۴۴ ، توبه -

۲۰ و ۱۱۰ ، قصص - ۵۰ ، احقاف - ۱۰ ، صف - ۷ ، جمعه - ۵ .

(۲) از این قرار: بقره - ۲۶۴ ، مائده - ۷۰ ، توبه - ۳۸ ، نحل - ۱۰۷ .

(۳) از این قرار: مائده - ۱۱۱ ، توبه - ۲۵ و ۸۱ ؛ صف - ۵ ، منافقین - ۶ .

(۴) و نیز توبه - ۸۸ و ۹۴ ، اعراف - ۱۰۰ ؛ مؤمن - ۳۵ ، یونس - ۷۴ .

اذهدیهم حتی بین لهم مایتقون خداوند جمعیتی را پس از رهنمائی گمراه نمیکند مگر بعد از اینکه آنچه را که باید از آن پرهیزند برای آنان بطور روشن بیان کرده باشد .



این بود قسمت عمده آیات مربوط به هدایت و اضلال و مابقی آیات تدریجاً در ضمن بحث یادآوری میشود ، خوانندگان محترم تا اینجا از مطالعه آیات فوق چند مطلب بذهن آورده اند و ممکن است بعضی از تأمل درباره آیات با آنچه ما میخوانیم بگوئیم توجه کرده باشند برای توضیح کامل و رفع هر گونه شبهه ای بمطالب ذیل توجه فرمائید :

دعوت بدین عمومی است

مسلمان مقصود از هدایت در این آیات بیان معارف دینی و دعوت مردم بخدا، نیست زیرا هدایت باین معنی (زاهنمائی) بافرااد و طبقه معینی اختصاص ندارد و شامل همه مردم است ، پیغمبران و کتب آسمانی دعوت خود را بهمه بندگان خدا از هر صنف و نوعی توجه داده اند ، قرآن در موارد بسیاری با جمله **یا ایها الناس دعوت خود را شروع مینماید چه بهتر که این مطلب را از زبان خود قرآن بشنویم** **هذا ین للناس وهدی و موعظة للملتقین** در این آیه خداوند صریحاً اعلام نموده است که قرآن برای عموم مردم حقایق را بیان میکند اما در عین حال تنها دسته پرهیزکاران را هدایت مینماید و نیز فرموده است **و نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شیء وهدی ورحمة و بشری لئلا یسئد من (۱) نحل - ۸۹** قرآن را بر تو نازل کردیم که همه چیز را بیان ، و برای آنانکه تسلیم امر حقانند هدایت و رحمت است و هم چنین در آیه ۱۱۶ از سوره توبه که قبلاً ذکر کردیم فرموده بود همواره ضلال و گمراهی پس از بیان مطالب لازم برای مردم شامل آنان میگردود و آیه ذیل صریحاً اعلام کرده است که برای هر ملتی پیغمبری فرستاده شده تا دین را برای ایشان بیان کنند پس از آن دسته ای هدایت می یابند و دسته ای گمراه میشوند :

ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه لیبین لهم فیضل الله من یشاء ویهدی من یشاء وهو

العزیز الحکیم ابراهیم - ۴ (۱) نحل - ۳۵ .

بنابر این از مطالعه آیات دسته اول که بمامیگفت : خدا هر کس را بخواهد هدایت و هر کس را بخواهد گمراه میکند ، نباید تصور کنیم که خداوند مثلاً با بعضی مردم خصوصیتی بخرج میدهد و فقط برای آنها پیغمبر و کتاب میفرستد و حقایق دینی را تنها بآنان گفته و دیگران را از آن محروم می نماید . وهم چنین در آیات دیگر که حاکی از این بود که عده از مردم ستمگر یا کافر و چار اضلال میشوند نباید چنین پنداریم که معنی آن اینست که دعوت دین متوجه آنان نیست و پیغمبران برای هدایت آنان نیامده اند . خلاصه ، در این مسئله نباید تردید کرد که بیانات و توضیحات دینی همگانی است و بدسته معینی اختصاص ندارد پس هدایتیکه تنها ب مردم با تقوی و با ایمان میرسد بطور حتم يك نعمت دیگری است که دیگران شایسته آن نیستند ، و شرط وصول بآن ، همان تقوی و ایمان است . و همچنین ضلالتیکه بگفته قرآن بعضی از مردم بآن گرفتار میشوند دوری از سخنان انبیاء و دعوت ادیان نیست بلکه آن هم يك نوع محرومیت و بلائی است که همان طبقات نامبرده در قرآن ظالمین ، فاسقین ، کافرین و امثال آنها استحقاق دارند . حال دیگر حقیقت این هدایت و اضلال چیست و چگونه و بچه علت باشخاص و دسته معینی میرسد اینها خود حقایقی است که بارهنمائی قرآن در اینجا روشن خواهد شد .

هدایت پاداش ، و اضلال مجازات است

آنانکه پس از بر خورد بدعوت انبیاء عقل و انصاف را حکم قرار داده اند ، خود را تسلیم آنان نموده اند و تعالیم حیات بخش این سلسله را بجان و دل پیروی کرده اند آنان آمادگی خود را برای تکامل و نزدیکی بخدا اعلام نموده اند . در این مرحله پروردگار از راه وجود خودشان آنان را مورد لطف و مرحمت قرار میدهد . در این راه صعب العبور (راه قرب بخدا) بآنها کمک مینماید ، پرده ها و موانع را از پیش

روی ایشان بر میدارد و هر قدمیکه بردارند بانور خودشان راه باقیمانده را روشن میسازد.

قرآن در این باره میفرماید: **وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا** عنكبوت -

۶۹ آنانکه در راه ما کوشش کنند ما راههای خود را بآنان ارائه دهیم .

يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ ابراهیم - ۲۷

خدا اهل ایمان را بر عقیده استوار ثابت قدم میدارد هم در دنیا و هم در آخرت **وَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَرَأَدْتَهُمْ إِيْمَانًا وَهُمْ يُسْتَبْشِرُونَ** (۱) توبه - ۱۲۶ اما آنانکه ایمان آورده اند پس (قرآن یا سوره مورد نظر) با ایمان آنان میافزاید و آنان بشاش و شادمان میباشند ، این همان نعمتی است که معرف آن خشیت از خدا و تاثیر شدید از شنیدن قرآن است بطوریکه گویا جسم و روح هر دو متوجه خداست (۲) این همان گوهر گرانبهائی است که مسلمان در هر نماز دو مرتبه آنرا از خدا میخواهد **اهدنا الصراط المستقیم** ما را بر راه راست هدایت کن ، این هدایت آنچنان چیزی است که تنها کار خداست و از پیغمبران هم ساخته نیست . **انك لا تهدي من احببت ولكن الله يهدي من يشاء** قصص - ۵۶ تو (ای محمد) نمیتوانی هر کس را دوست داری هدایت کنی این خداست که هر کس را بخواهد هدایت میکند .

نقطه مقابل هدایت اضلال است ، آنها بلا و مجازات بزرگی است مخصوص مردمی که بدعوت انبیاء پشت کرده و در افکار ، عقاید ، گفتار و رفتار از آنان پیروی نکرده اند . راستی چه مجازات و عقوبت بزرگی که بیشتر مردم از آن غافلند در حالیکه قرآن پیاپی آنرا گوشزد نموده است !!! در اینجا آیات گذشته را تکرار نمیکنیم خواننده محترم میتواند مجدداً آنها را مطالعه و در صورت امکان آیات قبل و بعد آنها را در قرآن به بیند تا باور کند که ضلالت ، خود عذابی است دنیوی و در پیچه ایست بسوی عذاب اخروی .

(۱) و نظیر آن در مدثر - ۳۱

(۲) سوره زمر آیه ۲۲

باز هم این چند آیه را برای روشن شدن منظور فوق مورد دقت قرار میدهم: فریقا هدی و فریقا حق علیهم الضلالة نهم اتخذوا الشیاطین اولیاء من دون الله و یحبون انهم مهندون اعراف - ۲۹. عده را هدایت و دسته‌ای کمراهی بر آنان ثبت شده باین علت که آنان بجای خدا شیاطین را بزرگ و دوست خود بر گزیده‌اند و می‌پندارند که هدایت یافته‌اند. صرف الله قلوبهم بانهم قوم لا یفقهون توبه ۱۲۹ خدا دل‌های آنان را بر گردانید زیرا ایشان مردمی میباشند که در صدها دانستن نیستند. فلما زاغوا از اغ الله قلوبهم والله لایهدی القوم الفاسقین صف - ۵ پس چونکه بکمراهی بر گشتند خدا دل‌های آنان را بر گردانید. بل طبع الله علیها بکفرهم فلا یؤمنون الا قلیلا نساء - ۱۵۴ بلکه خداوند بجهت کفر و وجود آنان بر دل‌هایشان مهر زده است پس جز اندکی ایمان نمی‌آورند. و اما الذین فی قلوبهم مرض فزادتهم رجسالی رجسهم و ماتوا وهم کافرون (۱) توبه ۱۲۶ و اما آنانکه دل‌هایشان مریض است پس (قرآن) پلیدی به پلیدی آنان افزود و آنان باحالت کفر جان سپردند.

قرآن برای ما حکایت میکند که موسی و هرون پس از مبارزات طولانی با فرعون و فرعونیان از خدا می‌خواهند که آن گروه را در ضلالت نگه دارد و ایمان نیاورند تا اینکه عذاب دردناک خدا را بچشند خداوند نیز دعای آنان را اجابت میکند (۲): و از قول مردم صالح و ثابت قدم در راه علم نقل مینماید که از خدا می‌خواهند دل‌های آنان را پس از هدایت، از حق بر نگرداند و بنا لاتزع قلوبنا بعد اذ هدیتنا آل عمران - ۶

از این آیات مسلم گردید که دسته‌مظالمین، کافرین، فاسقین و نظائر آنها در دنیا بعد از ضلالت مجازات می‌گردند نظالمین کسانی هستند که بزرگ‌ترین ستم یعنی شرک و افتراء بخدا و تکذیب پیغمبران را مرتکب و قبل از هر چیز بخود ستم روا داشته‌اند کافرین آنان‌اند که حقایق را پرده پوشی نموده و عقل و شرع را زیر پا نهاده‌اند

(۱) و همچنین صف - ۷، انعام - ۱۴۴، مؤمن - ۳۴ و ۳۵، جاثیه - ۲۲، فاطر - ۸

یونس - ۹۹، جمعه - ۵ (۲) یونس - ۸۷ و ۸۸.

فاسقین آن دسته از مردم اند که از فطرت پاک خدا داده و فرمان عقل و راه راست دین خارج و در افکار، عقائد و اعمال آنان انحراف، پدیدار گشته است پس اگر معانی اولیه این الفاظ را در نظر بگیریم (نه معانی اصطلاحی و معمولی را) برگشت همه بیک اصل مشترك خواهد بود که عبارت از پشت کردن بفرمان عقل و شرع است.

این راهم بگوئیم که این دسته اگر تنبه پیدا کنند و از کرده خود پشیمان شوند بموجب آیات توبه در گناه لطف خدا بروی آنان باز است و چه بسا که در زمره هدایت شدگان در آیند.

هدایت روشنی و ضلالت تیرگی دل است

گویا تا اینجا این حقیقت مورد تصدیق واقع شده باشد که هدایت و ضلالت در آیات فوق بادل و قلب انسان ارتباط دارد، اینک بطور وضوح کیفیت آن را از قرآن می آموزیم

فمن یرد الله ان یهدیه یشرح صدره للاسلام ومن یردان یظله یجعل صدره حرجا ضیقا کما نمایصعد فی السماء کذلک یجعل الله الرجس علی الذین لایؤفون انما ۱۲۵-

پس هر کس را خدا بخواهد هدایت کند دلش را برای تسلیم مطلق (در مقابل حقیقا برای اسلام) گشاده فرماید، و هر که را بخواهد گمراه نماید سینته و دل او را تنگ و سخت گرداند که گوئی با آسمان بالا میرود؛ این چنین، خداوند پلیدی و نکبت را بر مردم بی ایمان قرار میدهد **أفمن شرح الله صدره للاسلام فهو علی نور من ربه فویل للفاسیة قلوبهم من ذکر الله او انک فی ضلال مبین** زمر ۲۲ آیا کسی را که پروردگار برای تسلیم مطلق (یا اسلام) شرح صدر داده که بنور الهی روشن است (چنین کسی با مردم کافر بی نور و تاریک دل یکسان است؛ هرگز) پس وای بر آنان که از شدت قساوت و شقاوت دلشان از یاد خدا فارغ است این گروه در گمراهی آشکاری بسر میبرند.

در این دو آیه از هدایت و ضلالت بشرح صدر و ضد آن و در آیه اول و بیش از ده آیه از هدایت بنور و از ضلالت بظلمت تعبیر شده است از قبیل **یخرجهم من الظلمات الی النور، یخرجونهم من النور الی الظلمات** بقره - ۲۵۷ در تفسیر آیه اول و روایات وارده در باره گناهان و آثار شوم آنها در روح نیز، نور و ظلمت و نقطه سفیدی سیاه که

دردل آشکرمی شود برای توضیح هدایت و اضلال بکاررفته است. این تعبیرات اگر حقیقت را بتواند برای ما کاملاً بیان کند اما ما را بواقع نزدیک می سازد و مانند آنها در تعبیرات عرفی نیز رائج و هر کسی کم و بیش این روشنی و تاریکی را در دل خود می یابد.

اما تحقیق این مطلب که آیا هدایت و ضلالت بدین معنی، از آثار وضعی و عکس العمل گردانیک و بد آدمی است و بدان جهت بخدا نسبت داده شده که مانند همه مقررات عمومی جهان، از خدا هستی یافته یا اینکه صرفاً پاداش و مجازات بوده و بسته باراده و خواست خداست؟ هر دو احتمال ممکن است شاید هم بهر دو قسم وجود یابد یعنی این دو کیفیت حاصل دردل گاهی نتایج وضعی اعمال و زمانی از قبیل پاداش و مجازات می باشد.

حقیقت مورد نظر

اینک نتیجه این بحث این است که این آیات زیاد حقیقتی را بیان میکنند که خود از مسائل قابل توجه است و آن اینکه خداوند از دوراه انسان زارهنمائی میکند: یکی راه انبیاء و کتب آسمانی و دیگر از راه دل و همانطور که مسئله نبوت همواره مورد نظر قرآن بوده و مکرراً از انبیاء و کتب آسمانی و دعوت آنها نام برده است مسئله هدایت از راه دل نیز مورد توجه بوده و باید بآن توجه شود و اگر انسان در مورد دعوت انبیاء درست امتحان نداد از هدایت دوم محروم شده و در عوض بگمراهی دچار میشود و این حقیقت در کلمات پیشوایان نیز بیان گردیده است ولی نظر باینکه سخن طولانی شده است از تعرض آنها مانند مطالب دیگری که از فروع مسئله مورد بحث یا مربوط بآیه مورد تفسیر می باشد صرف نظر گردید.